قهرمانان در شاهنامه

در شاهنامه قهرمانان و پهلوانان دارای ویژگی‌هایی انسانی و اخلاقی هستند که هرکدام آن را در خود پرورش داده بودند، ویژگی‌های مهم عقیدتی و اعتقادی مانند پرستش خدا و توکل و اعتماد به او و عدالت‌گستر و توجه به قضا و قدر الهی، ویژگی دیگر ویژگی‌های بزمی است که شامل خردورزی، فرصت‌طلبی، عشق و دلدادگی است و همچنین ویژگی‌های ملی و میهنی دارند که سرشار از عشق و علاقه آنها به وطن است مانند وطن‌پرستی، انتقام، اطاعت و فرمانبری. قهرمانان و پهلوانان در شاهنامه خدا‌پرستانی هستند که در همه حال و با هر شرایطی در سختی‌ها و خوشی‌ها از یاد خدا غافل نمی‌شوند. خردورز و باتدبیر هستند و حتی در نبرنگ هم اصول انسانی و مردانگی را خدشه‌دار نمی‌کنند. اما مهم‌ترین بخشی که یک انسان را تبدیل به قهرمان و پهلوان ملی می‌کند، ویژگی‌های ملی و میهنی است. قهرمانان و پهلوانان شاهنامه عشق و علاقه خاصی به وطن و سرزمین خود دارند. آنان برای کشورشان وجود و زندگی خود را در مخاطره می‌انداختند. استخوان‌بندی قسمت اعظم داستان‌های ملی و حماسی شاهنامه براساس حس انتقامجویی و مجازات جنگ‌افروزان است. پهلوانان ایران باستان در شاهنامه به‌منظور کشورگشایی و تسلط‌جویی یا دشمنان خود نمی‌جنگند. آنان این سلاح را دارند که از جهات گوناگون مورد ظلم و تعدی قرار گرفته‌اند و اصول اخلاقی و منش انسانی به آنان اجازه می‌دهد از کیان و هستی خود دفاع کنند. قهرمانان در ادبیات ایران، اهل لجاجت و عناد نبودند و اهل تبعیت و پیروی از امر و نواحی بزرگان بودند. پهلوانان در شاهنامه معتقد بودند چون در مسیر الهی حرکت می‌کنند پس باید سختی‌های راه را تحمل کنند. تدبیر و چاره‌اندیشی از دیگر ویژگی‌های یک قهرمان است. او وظیفه دارد با چاره‌اندیشی و تدبیر، گره از مشکلات باز و غیرممکن‌ها را ممکن کنند. قهرمانان شجاعند و این شجاعت با گذشت زمان و چشیدن سرما و گرمای روزگار شکوفا شده و به فعلیت درآمده است. پهلوانان بر حقانیت راه خود اعتقاد راسخ دارند و در راه حق کوتاهی نمی‌کنند و سعی دارند با نام و عزت و سربلندی زندگی کنند و مردن را بسی بهتر از این می‌دانند که زنده بمانند و دشمن از آنها شادکام شود.

منبع: ویژگی پهلوانان در شاهنامه فردوسی | زهرا احمدی، رضا فرامرز نسب

پهلوان‌تر از پهلوانان شاهنامه

شاهنامه فردوسی نمایانگر نقطه اوج نمایش قهرمان و پهلوان در ایران است. روایت او از قهرمانان ملی، انسان‌های ماورایی و حتی غیرقابل دسترس هستند. در چند قرنی که از عصر این اثر بی‌بدیل می‌گذرد، هیچ پهلوانی در ایران نتوانست به بزرگی شخصیت‌های اسطوره‌ای شاهنامه فردوسی برسد. به‌عبارت ساده‌تر، چنین ظرفیتی در کمتر انسانی وجود داشت که بتواند در کنار تمام مکارم اخلاقی، به‌تنهایی از کیان یک کشور حفاظت کند. همین مساله نیز رستم و بسیاری از قهرمانان شاهنامه را متمایز از نمونه‌های واقعی کرده است. تنها کسی در ایران که توانسته به پهلوانان و قهرمانان شاهنامه فردوسی تنه بزند، سردار قاسم سلیمانی بود. او علاوه‌بر دارابودن تمام ویژگی‌های یک قهرمان از منظر شاهنامه، از برخی صفت‌ها و ویژگی‌هایی که قهرمانان این اثر ملی داشتند نیز به دور بود. او در حیاتش توانست مقام اسطوره و پهلوان را چه در عالم واقع و چه در مقایسه با پهلوانان شاهنامه، چندین فرسنگ جلوتر جا خود را تثبیت کند. برخلاف پهلوانان شاهنامه که به کسب نام و بزرگی علاقه‌مند بودند و می‌خواستند نام‌شان بلند و جاودان بماند و برای اعتلا و بلندی آن تلاش و کوشش می‌کردند و حتی عقیده داشتند که باید تن به مرگ بدهیم با اینکه به بزرگی و نام نیکو دست یابیم، قاسم سلیمانی هیچ‌وقت به دنبال نام و آوازه برای خودش نبود. اویس از جنگ نیز هموارد و میدان مبارز بود و شاید اگر جنگ سوریه رخ نمی‌داد، همچنان نیز بدون توجه افکار عمومی به وظایف خود عمل می‌کرد. بسیاری در ایران، قاسم سلیمانی را نه به‌روایت ایران که از اظهارات مقامات غربی شناختند. آن ماه سال ۹۰ بود که منابع خبری غربی جزئیاتی از تمایل سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) برای ترور سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس فاش کردند و نوشتند رونال مارک گرچت، کارشناس سابق بخش خاورمیانه در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و عضو بنیاد «دفاع از دموکراسی‌ها» گفت: «سپاه پاسداران ایران را نمی‌توان مرعوب کرد مگر اینکه اعضای آن را بکشیم.» او به صراحت به سردار قاسم سلیمانی اشاره می‌کند و می‌گوید: «وی را باید بکشیم. قاسم سلیمانی بسیار سفر می‌کند... تکان بخورید... تلاش کنید او را بکشید.» پس از آن بود که ترفند نام این سردار ایرانی به رسانه‌ها آمد و رشادت‌های او، نقل محافل مردمی شد.

نجات اقلیم کردستان

هفتم آگوست ۲۰۱۴ (۱۶ مرداد ۱۳۹۳)، برای رهبران کرد اقلیم کردستان، از بدترین روزهای تاریخ بود. در روزهای و هفته‌های قبل، شهرهای عراق یکی پس از دیگری سقوط می‌کردند و داعش خود را آماده حمله همه‌جانبه به سمت اقلیم کردستان می‌کرد. در مناطق کردنشین عراق، خیل‌ها کسی آسوده‌تر بود. سران اقلیم توانسته بودند با کمک آمریکا و انگلیس، گروه‌هایی را به‌عنوان «پیشمرگه» سازماندهی کنند و با داعش درگیر شوند. اوضاع نسبتا امیدوارکننده بود و اگر هم اتفاقی می‌افتاد، آمریکا کردها را به امان خود رها نمی‌کرد. این اطمینان قلبی باعث شده بود بارزانی به هنگام سردار سلیمانی که احتمالا هدف بعدی داعش پس از اشغال «الکوار» و «مخمور»، اربیل است، توجهی نکند. فرمانده نیروی قدس سپاه همچنین به مقامات کردستان عراق تذکر می‌دهد نیروهای پیشمرگه کردستان عراق، هیچ گونه آمادگی و اطلاع از نحوه مقابله با داعش را ندارند، اما باز هم بارزانی و معاونانش به این تحلیل های نظامی سردار سلیمانی توجه نمی‌کنند. با این حال قاسم سلیمانی پس از حمله داعش با مقامات اقلیم تماس می‌گیرد و به آنها می‌گوید «برای دفع حمله داعش به چه چیزی نیاز دارید؟» آنها نیز مهمات خدرزه درخواست می‌کنند. خیلی زود ایران دو هواپیمای حامل مهمات به اقلیم کردستان می‌فرستد. اتفاق ناگوار در هفتم آگوست ۲۰۱۴ می‌افتد و داعش با تصرف سه محور استراتژیک خازر، گویر و مخمور، اربیل را محاصره می‌کند. حمله ناگهانی و شکست نیروهای پیشمرگه از داعش، همه محاسبات را به هم می‌ریزد. هشتم آگوست، بارزانی از هوشیار زیباری وزیر امور خارجه اسبق عراق می‌خواهد که از جان کری وزیر خارجه وقت آمریکا برای جلوگیری از سقوط اربیل کمک بخواهد. بعدها بارزانی در مصاحبه‌ای به اتفاقات این روز اشاره کرد. او می‌گوید که پس از اینکه داعش به دروازه‌های اربیل رسیده بود و بیم آن می‌رفت که شهر به‌زودی اشغال شود، با آمریکایی‌ها، ترک‌ها، انگلیس، فرانسه و حتی عربستان تماس می‌گیرد و پاسخ می‌شنود که «فعلا هیچ کمکی نمی‌توانند بکنند». این پاسخ یعنی سقوط اربیل و مرگ مردان و به اسارت رفتن زنان کرد. بارزانی تقریبا ناامید می‌شود و با مقامات ایرانی تماس می‌گیرد و با گریه می‌گوید: «شهر درحال سقوط است، اگر نمی‌توانید کمکی کنید، ما شهر را تخلیه می‌کنیم.» مقامات ایرانی فوراً شماره تماس سردار سپهبد شهید سلیمانی را به او می‌دهند. بارزانی با حاج قاسم تماس می‌گیرد و اوضاع را دقیق شرح می‌دهد. آنطور که بارزانی تعریف کرده، حاج قاسم به او می‌گوید: «فردا صبح بعد از نماز صبح اربیل هستم. فقط امشب بگو، فقط امشب برنگ‌ها را بگذار.» حسین امیرعبداللهیان مشاور امور بین‌الملل رئیس مجلس می‌گوید در همان ساعاتی که داعش می‌رفت تا اربیل را به محاصره کامل درآورد، سرکنسول ایران در اربیل با او تماس می‌گیرد و می‌گوید همه مردم و حتی خاندان بارزانی اربیل را ترک کرده‌اند. صبح روز بعد قاسم سلیمانی با ۵۰ نیرو وارد فرودگاه اربیل می‌شود. نیروها سریعا به محل درگیری می‌روند و نیروهای پیشمرگه را سازماندهی دوباره می‌کنند. در عرض چند ساعت ورق به نفع کردها برمی‌گردد. حاج قاسم چند نفر از نیروهای خود را برای مشاوره نظامی در اربیل می‌گذارد و خودش به کربلا می‌رود. بارزانی می‌گوید: «بعدها که یک فرمانده داعش را اسیر کردیم و از او پرسیدیم چگونه شد شما که درحال فتح اربیل بودید به یک‌باره عقب نشستید. این اسیر داعشی گفت که نفوذی‌های ما در اربیل به ما خبر دادند قاسم سلیمانی در اربیل است، لذا روحیه افراد ما به هم ریخت و عقب نشستیم.» شاید همین عملکرد نیز باعث شده تا ناظم دباغ نماینده حکومت اقلیم کردستان در تهران در گفت‌وگو با تلویزیون «رووداو» بگوید در سال‌های ارتباطش با قاسم سلیمانی او را «فردی دلسوز برای ایران» و «دوست خوبی» برای کردها دیده است.

سلیمانی و فتنه ۷۸

درمیان تمام تصمیمات و اقدامات سردار قاسم سلیمانی، شاید هیچ‌چیز به اندازه متن یک نامه قابل تامل نباشد. او فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران بود اما زمانی که تهدیدی علیه ایران و ولایت فقیه می‌دید، بدون توجه به این جایگاه پای به میدان می‌گذاشت. از ناآرامی‌های تیرماه ۷۸ چند روز گذشته بود و تعلل و بی‌ارادگی دستگاه‌های مسئول دولتی در مدیریت بحران و برقراری آرامش، باعث شد با مصوبه شورای عالی امنیت ملی، سپاه پاسداران هدایت بحران را در دست بگیرد. او یک مقام نظامی بود اما در سال ۷۸، با بررسی تحولات میدانی جریان اصلاح‌طلب و نقشه‌ای که آنها برای ایران و انقلاب طراحی کرده بودند، وارد میدان شد. غائله کوی دانشگاه در ۲۳ تیر ۷۸ با ورود مردم به صحنه، ناکام ماند و اوضاع آرام شده بود. چند روز بعد در ۲۸ تیرماه ۷۸ کیهان نامه‌ای را منتشر کرد که تاریخ آن برای ۶ روز قبل بود. نامه به امضای ۲۴ نفر از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران بود که با لحنی محترمانه خطاب به رئیس جمهور نوشته شده بود. با توجه به ادبیات سردار سلیمانی، به نظر می‌رسد می‌توان در بخش‌هایی از این نامه به ادبیات او مشاهده کرد. در آن نامه سلیمانی و دیگر فرماندهان سپاه تصریح کرده بودند کاسه صبرشان لبریز شده و درصورت عدم‌رسیدگی رئیس‌جمهور به وضع پدیدآمده، شرایط موجود را بیش از این تحمل نخواهند کرد: «در چنین شرایطی تا کی با اشک بنگریم و خون دل بخوریم و با هرج‌ومرج و توهین، تمرین دموکراسی کنیم و به قیمت از دست رفتن نظام، صبر انقلابی داشته باشیم؟» آنها نوشتند که «اگر امروز تصمیم انقلابی نگیرید و رسالت اسلامی و ملی خودتان را عمل نکنید فردا آنقدر دیر و غیرقابل جبران است که قابل تصور نیست.» در آن ایام جریان اصلاحات که گمان می‌کرد سنگر به سنگر درحال فتح انقلاب اسلامی است و اکنون زمان فشار به حکومت است، با یک قرائت دروغین، مدعی تهدید رئیس‌جمهور از سوی فرماندهان سپاه شد و به بیان دقیق‌تر، سعی داشت آن را زمینه‌ساز یک کودتای نظامی تفسیر کند. برای سلیمانی اما این قضاسازی‌های دروغین اهمیتی نداشت. او آن‌گونه که سردار محمدعلی جعفری فرمانده سابق سپاه در توئیتر نوشت نه‌تنها در غائله ۷۸ که در فتنه ۸۸ نیز که هدف فتنه‌گران رأس حکومت بود نیز به میدان آمد و به مقابله با فتنه‌گران پرداخت. سردار جعفری نوشته بود: «در ماجرای فتنه ۷۸ و ۸۸ ما حاج‌قاسم در صحنه مقابله با ضدانقلاب در کف خیابان بود و اقدامات موثری را برای کنترل ناامنی و آشوب‌ها انجام می‌داد. بارها شاهد حضور او در قرارگاه ثارالله بودیم، در غبار این فتنه‌ها همزمان در مسائل سیاسی هم با نفوذ خود برای خواص به‌دنبال روشنگری بود.»

تقابل با شکاف‌های اجتماعی و سیاسی

سلیمانی تنها یک ژنرال نظامی یا دیپلمات نبود. این عناوین نمی‌توانند سردار سلیمانی را توصیف کنند. او دوستدار همه مردم ایران با هر نوع عقیده سیاسی و فرهنگی، با هر مذلی بود. او این گزاره را در عمل ثابت کرده بود و در کلام نیز سال ۱۳۹۶ در سخنانی به بهانه روز مسجد در جمع ائمه جماعات، مطرح کرد: «جایی که او با طرح انتقادهایی نسبت به رویکردهای فرهنگی مرسوم در بخش‌هایی از جریان انقلابی، به بی‌تفاوتی برخی به مسئولیت اجتماعی‌شان اشاره کرد و گفت: «چه کسی امروز مسئول رشد الحاد و لاابالی‌گری در کشور است؟ آیا همه ما به وظایف خود عمل کرده‌ایم؟ وقتی من (مسئول حفظ یک پل می‌گذارند، باید بدانم که وظیفه‌ام فقط حفظ همین پل نیست، بلکه این پل یک محیطی دارد که اگر آن محیط سقوط کرد، پل هم سقوط خواهد کرد.» او با انتقاد از برخی رفتارها گفته بود: «من و آدم‌های خودم. من و رفقای خودم. من و مریدهای خودم. این بی‌حجاب است، این باحجاب است. این چپ است، آن راست است. این اصلاح‌طلب است، او اصولگراست، خب پس چه کسی را می‌خواهید حفظ کنید؟ همان دختر کم‌حجاب دختر من است. دختر ما و شماست؛ نه دختر خاص من و شما. اما جامعه ماست. سلیمانی با موشکافی نوع تبلیغ و رفتار افراد مذهبی نظر خودش را این‌طور مطرح کرد: «فقط رابطه حزب‌اللهی با حزب‌اللهی معنا ندارد. رابطه حزب‌اللهی با کسی که دینش ضعیف‌تر است موضوعیت دارد. جامعه ما خانواده ماست. اینها همه مردم ما هستند. اینها همه بچه‌های ما هستند. سلیمانی در ادامه نقد خویش به عملکرد امامان جماعت تاکید کرده بود که امام جماعت باید بتواند با حجاب و بی‌حجاب را با هم جذب کند. او پس از اینکه تیم دولت، وزیر امور خارجه را از سفر بشار اسد به ایران خبردار نکرده بودند و این باعث استعفای جواد ظریف شد، به‌سرعت و پیش از اینکه بدخواهان بخواهند دستاورد حضور اسد در ایران را پنهان کنند، به این مساله واکنش نشان داد و گفت: «حتما آقای ظریف مسئول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و طی مدت مسئولیت در وزارت امور خارجه کشورمان همواره مورد حمایت و تایید مقامات عالی‌رتبه نظام، به‌ویژه مقام معظم‌رهبری (مدظله العالی) بوده و هستند. در جریان سفر اخیر آقای بشار اسد به تهران و ملاقات وی با آقای دکتر روحانی رئیس‌جمهور محترم، برخی ناهماهنگی‌ها در نهاد ریاست جمهوری که مطرح هم شده، منجر به عدم حضور وزیر امور خارجه کشورمان در این ملاقات و متعاقبا گلایه‌مندی ایشان شده است. سلیمانی حتی پس از تحریم ظریف از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا و همچنین برخی افراد به وزیر خارجه، با لباس نظامی به دیدار ظریف رفت و ضمن گفتن خداقوت به ظریف، اقدام آمریکا در خصوص وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را جنون آمیز و نشانه شکست قطعی کاخ سفید دانست. این شرایط البته تداخلی با نگاه سلیمانی به مساله مذاکره نداشت. او از بدبهشت ۹۸ در دومین روز بیست‌وسومین همایش سراسری فرماندهان، روسا و مدیران ناجا گفت: «دشمن می‌خواهد با فشارهای اقتصادی ما را به میز مذاکره بکشاند که این مذاکره مصداق تسلیم است اما مردم ما هوشیار و هوشمندند و معتقدند که مذاکره در شرایط کنونی با دشمن، تسلیم‌شدن محض است و قطعا تن به این ذلت نمی‌دهیم.»

قاسم سلیمانی، بزرگ‌ترین ژنرال قرن چگونه خود را در تاریخ ماندگار کرد؟

قهرمان‌تر از اسطوره‌های ایرانی

صادق امامی
دبیر گروه بین‌الملل

یک‌سال از شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی می‌گذرد و با این حال هنوز بسیاری از ابعاد شخصیتی این فرمانده بزرگ جبهه مقاومت ناشناخته باقی مانده است. اینکه چگونه یک ژنرال ایرانی می‌تواند از افغانستان تا مدیترانه و بخش‌هایی از آفریقا، تحولات را مدیریت کند و اضطراب روسیه یکی از قدرت‌های نظامی جهان را برای ورود به خاورمیانه با جلسه‌ای دوساعته رفع کند و با وجود اینکه یک مقام نظامی است، بیش از دیگران زبان ملتش را می‌فهمد، مساله‌ای نیست که بتوان به‌سادگی از آن گذشت. اما بازهم همه اینها برای روایت از سلیمانی، کوچکند. حتی کسانی که نام سلیمانی را نه از جنگ ایران و عراق و کربلای۵، نه از تجاوز نظامی به افغانستان و عراق، که از پس حوادث بهار عربی شناختند نیز قاسم سلیمانی بزرگ‌تر از تمام آن چیزی است که گفته شده و می‌شود. شاید بتوان با کنارهم قراردادن بیانات رهبر انقلاب درباره نیروی قدس که در ۲۷ دی‌ماه سال گذشته گفته شد و همچنین بیانات ایشان در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج‌قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی درباره سردار سلیمانی سخن گفت. رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه «سپاه قدس» یعنی نیرویی که فرماندهی آن تا پیش از شهادت برعهده سردار سلیمانی بود را «رزمندگان بدون مرز» می‌خواندند که «هرجا نیاز باشد برای کمک به ملت‌های منطقه و حفظ کرامت مستضعفان حضور می‌یابد و با همه وجود و توان، خود یا بالاگردان مقدسات و حریم‌های مقدس می‌کند.» ایشان در دیدار اخیر با خانواده سردار سلیمانی، از تبدیل‌شدن سردار به «قهرمان ملی برای ایرانیان و قهرمان امت اسلامی» گفته‌اند و او را «تبلور ارزش‌های فرهنگی ایران و ایرانی» خواندند. رهبر انقلاب همچنین اشاراتی به ویژگی‌هایی که بیان‌کننده ارزش‌های فرهنگی ایران و ایرانی بود، کردند و نمایش این ارزش‌ها را زمینه‌ساز تبدیل شدن شهید به «قهرمان امت اسلامی» دانستند. رهبر انقلاب برخی ویژگی‌های نشان‌دهنده ارزش‌های ایرانی همچون شجاعت، مقاومت، درایت، تیزهوشی را بیان می‌کنند و پیش از قهرمان امت اسلامی، بر قهرمان ملی بودن حاج‌قاسم تاکید می‌کنند اما برای درک عمیق‌تر بهتر است به ویژگی‌های یک قهرمان در ایران نسبت آن با عملکرد سردار سلیمانی اشاره‌ای کرد. هیچ زبان و هیچ قلمی در ایران بهتر از فردوسی نتوانسته قهرمان ملی را ترسیم کند. او در شاهنامه چندین و چند قهرمان را به تصویر کشیده و از رشادت‌های آنان سخن گفته اما درمیان تمام آنان، رستم از جایگاه والاتری برخوردار است.

نبل و الزهرا

همه آتش‌ها را در اختیار من بگذار. من در مرکز هماهنگی و پشتیبانی آتش‌ها را با هم هماهنگ می‌کنم. قول می‌دهم که خیلی جاها را با آتش بگیرم. سلیمانی در پاسخ می‌گوید تو این کار را بکن، من کمکت می‌کنم. شب عملیات آزادسازی نبل و الزهرا، مسلحان تمام نیروهایشان را به «رتبان» می‌آورند تا نیروهای مقاومت نتوانند به نبل و الزهرا برسند. سردار چهارباغی می‌گوید: «حاج‌قاسم خودش می‌رفت و همه جا را کنترل می‌کرد. شب عملیات به محل فرماندهی رسید تا عملیات را هدایت کند. نکته کردم دیدم چشمانش قرمز شده است. دو، سه روز بود که مرتبا برای شناسایی می‌رفت و کم خوابیده بود. به هر شکل عملیات آغاز می‌شود و رتبان به‌سختی آزاد می‌شود. یکی از اولین نفراتی که وارد نبل و الزهرا شدند، حاج‌قاسم بود.» یکی از رزمندگان حاضر در میدان نبرد با تکفیری‌ها درباره این عملیات گفته است نیروهای خط‌شکن در شب عملیات با بدرقه حاج‌قاسم سلیمانی راهی خط شدند. از نیروهای ایرانی مستقر در منطقه هم گیلانی‌ها در این عملیات خط‌شکنی نقش داشتند. بعد از برگشت نیروهای خط‌شکن، حاج‌قاسم سلیمانی بین رزمندگان حاضر شد و ضمن بوسیدن دست فرمانده این نیروها، با اشاره به محاصره چهارساله نبل و الزهرا اعلام کرد: «شما در قلعه خیبر را شکستید و ان‌شاءالله نماز جمعه را در الزهرا می‌خوانیم.»

پیام به پترائوس

علاوه‌بر نقش و جایگاه قاسم سلیمانی در صحنه میدانی، تحولات غرب آسیا، او گاهی در نقش یک دیپلمات نیز ظاهر می‌شد. دراین نقش، سردار سلیمانی، بیش از شهادت او تقریبا سخنی مطرح نشده بود اما پس از شهادت حسین امیرعبداللهیان در نشست بررسی «ابعاد سیاسی و راهبردی پیامدهای ترور سلیمانی» در دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه گفت: «سلیمانی ژنرال بود اما در عین حال یک دیپلمات تمام‌عیار بود. زمانی که مذاکرات سه‌جانبه با عراق و آمریکا را داشتیم، رهبری مسئولیت مذاکرات را به سردار سلیمانی سپردند. سردار برای هر مرحله مذاکره بیش از ۱۰۰ ساعت جلسه می‌گذاشت که گاهی تا ۲ بامداد ادامه می‌یافت، حتی درباره تشریفات مثلا برای دعوت احتمالی ناهار از طرف آمریکایی می‌گفت دعوت آمریکا را رد نکنید! امابه شرط حضور عراقی‌ها به‌عنوان طرف ثالث!» امیرعبداللهیان در بخش دیگری از سخنرانی خود افزود: «این طور نبود که سلیمانی فقط با عراق و سوریه مواجه باشد [بلکه] با بسیاری از کنشگران بین‌المللی و منطقه‌ای در تماس بود. «این موضوع به‌نوعی از زبان دیوید پترائوس، اولین فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق نیز رسانه‌ای شده است. او به بی‌بی‌سی گفته بود در سال ۲۰۰۷ سرلشکر یاسر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس نمازجمعه «سپاه قدس» یعنی نیرویی که فرماندهی آن تا پیش از شهادت برعهده سردار سلیمانی بود را «رزمندگان بدون مرز» می‌خواندند که «هرجا نیاز باشد برای کمک به ملت‌های منطقه و حفظ کرامت مستضعفان حضور می‌یابد و با همه وجود و توان، خود یا بالاگردان مقدسات و حریم‌های مقدس می‌کند.» ایشان در دیدار اخیر با خانواده سردار سلیمانی، از تبدیل‌شدن سردار به «قهرمان ملی برای ایرانیان و قهرمان امت اسلامی» گفته‌اند و او را «تبلور ارزش‌های فرهنگی ایران و ایرانی» خواندند. رهبر انقلاب همچنین اشاراتی به ویژگی‌هایی که بیان‌کننده ارزش‌های فرهنگی ایران و ایرانی بود، کردند و نمایش این ارزش‌ها را زمینه‌ساز تبدیل شدن شهید به «قهرمان امت اسلامی» دانستند. رهبر انقلاب برخی ویژگی‌های نشان‌دهنده ارزش‌های ایرانی همچون شجاعت، مقاومت، درایت، تیزهوشی را بیان می‌کنند و پیش از قهرمان امت اسلامی، بر قهرمان ملی بودن حاج‌قاسم تاکید می‌کنند اما برای درک عمیق‌تر بهتر است به ویژگی‌های یک قهرمان در ایران نسبت آن با عملکرد سردار سلیمانی اشاره‌ای کرد. هیچ زبان و هیچ قلمی در ایران بهتر از فردوسی نتوانسته قهرمان ملی را ترسیم کند. او در شاهنامه چندین و چند قهرمان را به تصویر کشیده و از رشادت‌های آنان سخن گفته اما درمیان تمام آنان، رستم از جایگاه والاتری برخوردار است.

دفاع از کربلای ۴

دی‌ماه سال ۹۷ و توئیت جنجالی محسن رضایی درخصوص عملیات کربلای ۴ مبنی بر آنکه این عملیات برای فریب دشمن انجام شد، سروصدای زیادی به پا کرد. ادعای فرمانده وقت سپاه درحالی بود که طی سال‌های گذشته تعداد زیادی از فرماندهان و پژوهشگران جنگ بارها از لوفرتن این عملیات سخن گفته و حتی از ادامه آن با علم به لوفرتنش شدیدا انتقاد کرده بودند. حساسیت موضوع و تناقض شکل گرفته در افکار عمومی «موجی از واکنش‌ها را در شبکه‌های اجتماعی پدید آورد» و به طور مشخص این سوال را ایجاد کرد که آیا واقعا تعداد زیادی از رزمندگان به خاطر یک عملیات فریب که از قضا لوهم رفته بود، به شهادت رسیدند. کربلای ۴ حالا دیگر مساله بخش محدودی از پژوهشگران و کارشناسان جنگ نبود و به موضوعی اجتماعی تبدیل شده بود. اگرچه توئیت محسن رضایی درست نبود اما هجمه‌های بی‌سابقه علیه او باعث شد برای نخستین بار قاسم سلیمانی با وجود ماموریت‌های ویژه، به‌صورت تلفنی در یک برنامه تلویزیونی از عملیات دفاع کند و گویا قرار نبود که کمتر دیده گردد. شاید هیچ کسی با توجه به همه آتش‌ها را در اختیار من بگذار. من در مرکز هماهنگی و پشتیبانی آتش‌ها را با هم هماهنگ می‌کنم. قول می‌دهم که خیلی جاها را با آتش بگیرم. سلیمانی در پاسخ می‌گوید تو این کار را بکن، من کمکت می‌کنم. شب عملیات آزادسازی نبل و الزهرا، مسلحان تمام نیروهایشان را به «رتبان» می‌آورند تا نیروهای مقاومت نتوانند به نبل و الزهرا برسند. سردار چهارباغی می‌گوید: «حاج‌قاسم خودش می‌رفت و همه جا را کنترل می‌کرد. شب عملیات به محل فرماندهی رسید تا عملیات را هدایت کند. نکته کردم دیدم چشمانش قرمز شده است. دو، سه روز بود که مرتبا برای شناسایی می‌رفت و کم خوابیده بود. به هر شکل عملیات آغاز می‌شود و رتبان به‌سختی آزاد می‌شود. یکی از اولین نفراتی که وارد نبل و الزهرا شدند، حاج‌قاسم بود.» یکی از رزمندگان حاضر در میدان نبرد با تکفیری‌ها درباره این عملیات گفته است نیروهای خط‌شکن در شب عملیات با بدرقه حاج‌قاسم سلیمانی راهی خط شدند. از نیروهای ایرانی مستقر در منطقه هم گیلانی‌ها در این عملیات خط‌شکنی نقش داشتند. بعد از برگشت نیروهای خط‌شکن، حاج‌قاسم سلیمانی بین رزمندگان حاضر شد و ضمن بوسیدن دست فرمانده این نیروها، با اشاره به محاصره چهارساله نبل و الزهرا اعلام کرد: «شما در قلعه خیبر را شکستید و ان‌شاءالله نماز جمعه را در الزهرا می‌خوانیم.»

پیام به ظریف

سلیمانی یکی از معدود نفراتی بود که درباره تحولات منطقه با محمدجواد ظریف دیدار و گفت‌وگو داشته است. در میان مذاکرات ایران و ۵+۱ محمدجواد ظریف در لوزان سوئیس با جان کری وزیر امور خارجه آمریکا برای دقایقی قدم می‌زند. تصاویر دو وزیر امور خارجه به‌سرعت در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب پیدا می‌کند. فردای آن روز قاسم سلیمانی با معاون وزیر امور خارجه تماس می‌گیرد و با کنایه و خنده‌ای می‌گوید: «دارید با آمریکایی‌ها قدم می‌زنید؟» پس از این جمله سلیمانی می‌خواهد به پیام به وزیر امور خارجه برساند. سلیمانی می‌گوید: «ما اسناد دقیقی به دست آوردیم مبنی بر اینکه در جریان سقوط شهر موصل به دست داعش چند هواپیمای غول‌پیکر لجستیکی آمریکایی در تاریخ و ساعت مشخص در فرودگاه موصل به زمین نشسته است و از یکی از این هواپیماها تزنال‌های آمریکایی پیاده می‌شوند و فرماندهان داعش روی فرش قرمز به استقبال آنها می‌روند.» در جریان این اتفاق به مدت ۵ ساعت در سالن VIP فرودگاه موصل بین تزنال‌های آمریکایی و فرماندهان داعش مذاکره می‌شود. جزئیات این مذاکره و فایل آن در اختیار سردار سلیمانی بود. در تمام این مدت ۵ ساعت هم سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته آمریکایی از هواپیماهای لجستیکی پیاده می‌شد و در اختیار نیروهای داعش قرار می‌گرفت. تمام تصاویر و نوع سلاح‌ها در این اسناد مشخص بود. این پیام بلاواسطه از طریق سیستم محرمانه وزارت خارجه به ظریف منتقل می‌شود و ظریف در اولین فرصت این موضوع را به طرف آمریکایی می‌گوید و پاسخ چند پهلو و مبهم از جانب مقام آمریکایی دریافت می‌کند.

ضامن اقتصاد ایران

پس از خروج آمریکا از برجام، حسن روحانی ادعا کرد که شیر یک مراجع از برجام کم شد اما چند ماه بعد آمریکایی‌ها به دنبال به صفر رساندن فروش نفت ایران رفتند و آنجا بود که روحانی در دیدار گروهی از ایرانیان مقیم سوئیس گفت: «اصلا معنی ندارد که نفت ایران صادر نشود و آن‌وقت نفت منطقه صادر شود، اگر توانستیدلن کارایرانکنیدونتیجه‌اش اینبیند.... اگرچه در عرصه بین‌المللی کسی روحانی و تهدیدهایش را به واسطه آشنایی با مواضعش جدی تلقی نمی‌کردند ولی در پس این کلام، بستن تنگه هرمز دیده می‌شد. با این حال برای وزن دادن به اظهارات روحانی و اشاره به اینکه در پس این تهدید، اقدامی نیز در کار است، سردار سلیمانی با صدور پیامی از مواضع رئیس‌جمهور تقدیر کرد و عبارتی را به کار برد که حتی در بدنه انقلابی نیز بسیاری انتظار آن را نداشتند. سردار در این پیام ضمن حمایت از روحانی نوشت: «دست شما را برای ایراد این سخنان به‌موقع، حکیمانه و صحیح می‌بوسم.» اقدام سردار به حمایت تمام‌قد از مواضع رئیس‌جمهور، کنشی بود که به‌بسیار فراتر از صف‌بندی‌های سیاسی سابه‌رای او بیامی فرستاده بود و از او خواسته بود درباره نبرد با شبه‌نظامیان در بصره با او وارد مذاکره شود. ژنرال پترائوس می‌گوید رئیس‌جمهور عراق به او خبر داد از جلسه‌ای با قاسم سلیمانی می‌آید و پیامی برای فرمانده نیروهای آمریکایی فرستاده است. پیام قاسم سلیمانی به روایت فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق این بود: «ژنرال پترائوس شما باید بدانید که من قاسم سلیمانی سیاست ایران را در ارتباط با عراق کنترل می‌کنم و کسی به‌جز عراق کنترل سیاست ایران در سوریه، افغانستان و غرب اربیل‌به دام. نکته‌ای که او می‌گفت این بود که تو باید با من توافق کنی دیپلمات‌های ایرانی و دیگران را فراموش کن [برای حل بحران بصره] ما باید با هم توافق کنیم. «بعد‌ها که قرار بر مذاکرات سه‌جانبه ایران، عراق و آمریکا می‌شود، مدیریت این مذاکرات در بعد نرم‌افزاری در اختیار سردار سلیمانی بود، یعنی سردار ماموریت تامین امنیت حداکثری ایران و کمک به امنیت عراق را داشت. سلیمانی با شناخت دقیق از روابط بین‌الملل، هوشیاری قابل تاملی نیز داشت. در زمانی که مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا برای سازمان سیا بود، نامه‌ای به فرمانده نیروی قدس می‌نویسد و در آن ادعاهایی مطرح می‌کند اما سلیمانی نه‌تنها این نامه را نخواند که حتی حاضر به دریافت آن نیز نشد تا نشان دهد چه کسی در موضع قدرت است.

روایت سردار از ملی‌گرایی دروغین

دی ماه سال ۹۶ و پس از گرانی برخی کالاها در ایران، اعتراضاتی در گوشه و کنار کشور و در چند شهر بالا می‌گیرد. در تهران نیز مردم در اعتراض به این وضع به خیابان‌ها می‌آیند. دریکی از این شب‌ها، یکی از معترضان پرچم ایران را پایین و آن را به آتش می‌کشد. چند هفته بعد سردار سلیمانی در سخنانی در جمع‌دهمین نشست عمومی «بصیرت» با دیدو سومین سالگرد عروج آسمانی شهید مدافع حرم مهدی نوروزی، سخنی می‌گوید که مصداق عینی ارادت و عشق یک فرد به کشورش می‌تواند باشد. او می‌گفت: «من وقتی صحنه نابخردانه آن تادان در آتش زدن پرچم ایران را دیدم خیلی دلم سوخت؛ گفتم ای کاش به‌جای پرچم من را (نه تصویر من را) بلکه من را ۱۰ بار آتش می‌زدند؛ چراکه ما برای سرافرازی این پرچم در هر قله‌ای ۱۰ شهید داده‌ایم.» در کنار تمام نقش آفرینی‌های سلیمانی در منطقه، او بشدت به ایران و انق